پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (۲۷) دوشنبه ۲۱ میزان ۴۸ - ۱۳ - اکتوبر ۶۹ - شماره مسلسل (۷۹)

له‌ملی گټو سره‌و فاداری

په‌مترقی مبارزه کی هیڅکله نه‌ښایی د دغه‌یا هغه خارجی هیواد په‌پټو سترگو او سطحی تقلیدوشی. موږ باید د عملی مبارزی په‌جریان کی خپل ملی سیاسی قوت په‌اساس د خپل هیواد په‌مشخصو شرایطو کی په‌مستقل او ځانگړی فعالیت قادرشو.

موږ هغه وخت بریالی کیدای شو چه د خپلو خلکو پیشاهنگ او د خپل هیواد واقعاملی قوت یواو د کارگرو طبقی د مترقی ارمانو نوپه خاطر مبارزه د خپل هیواد د عمومی ملی گټو په لاره کی له‌ملی مبارزی سره ترکیب کړو او په‌دی زمینه سر مشق شو.

له‌ملی گټو سره‌وفاداری او زموږ د پیروی د پر مختلو نکو اندیشو پیروی، د استبداد، ارتجاع، استعمار او امپریالیزم پرضد زموږ د مبارزی د کامیابی وثیقه‌ده.

باخودسری واستبداد باید مبارزه کرد!

یکی از وظایف ما دفاع صمیمانه وجدی که تنها از رفقای ما (زندانیان ج. د. خ. ا) است، بلکه از تمام کسانیست که صرف نظر از عقاید سیاسی و جهانبینی شان و اختلافاتیکه با ما دارند، امادر نتیجه مبارزه علیه استبداد و خود سری، خلاف موازین دموکراتیک و آزادی های مصرح در قانون اساسی، به زندان استبداد افتاده اند.

بااظهار خشم و نفرت خاطر نشان می گردد که زندانیان سیاسی کشور، علی رغم امتیازات خاصی که در جوامع پیشرفته مترقی برای اینگونه اشخاص وجود دارد، از لحاظ مادی، صحی، دفاعی و محاکماتی و اعمال مخالف کرامت انسانی که در برابر آنان صورت می گیرد، با مشکلات زیادی دست بگریبانند و حتی عده‌ئی از آن ها بخصوص کارگران دوراز خانواده‌های فقیر خویش بدون حد اقل تامین مادی و صحی با فقر هلاکتبار و بشکل اقتصادی و محروم از «پای‌واژه» در سلول لهای زندان به سر می برند.

ازهمه نفرت انگیز تراینکه: زیر نام به اصطلاح «قانون» در هر محاکمه ایکه اززندانیان متهم صورت می گیرد، بنابر دو سیه‌های مرتبه دستوری و توطئه آمیز و انها مات غلط و نادرست به حبسهای طولانی محکوم می‌کردند و بدتر از آن اینکه اینهمه «محاکمه‌ها» براساس قوانین و مقررات کهنه‌ئی صورت می گیرد که واضحا مخالف آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و هدف مقدمه قانون اساسی و ضد مادهٔ (۱۲۸) آن می باشد. مادهٔ (۱۲۸) قانون اساسی میگوید: «قوانینی که قبل از تاریخ نفاذ این قانون اساسی صادر گردیده به شرطی نافذ شمرده می شود که مناقض احکام این قانون اساسی نبوده و قوانین جدید آنرا الغا نکرده باشد.»

حقایق نشان میدهد که خصوصا قوانین سابق محصول شرایط استبداد بوده است و بر حسب مواد آن ها از کو چکترین حرکت آزادیخواهانه تو جیهات و تفسیرات غلط صورت گرفته و متهم محکوم به حبسهای طولانی می گردد، خاصه اینکه درین «آخرقوهٔ اجرائیه قضا و اداره به بهانهٔ تطبیق قانون آنهم علیه آزادی خواهان و طنپرستان نه علیه متنفذین، مرتجعین، مستبدین و ماموران رشوه خوار دولت) هرآنچه خود سری و ستمگر یست بغرض فرو نشاندن و سر کوب نهضت رهائی بخش ملی واجتماعی کشور و تعمیل می نمایند. اکنون و طبقهٔ تمام نیروها و عناصر ملی ودموکراتیک، ترقی خواه و طنپرست کشور است که متحدا علیه چنین خودسری واستبداد مبارزه کنند و نگذارند که دامنه توجیهات نادرست از قانون اساسی و تطبیق غلط قانون زیر نام به اصطلاح «حفظ امنیت» و «قانونیت» و «استقرار وضع» بسط وتوسعه یابد. باید جدامتوجه بود که نیرو های استبدادی وارتجاعی در کشور سخت حیله گر اند و به شیوهٔ اداره استعماری معتاد اند و بلان فرو نشاندن و سر کوبی نهضت رهائی بخش را روید ست دارند و مقدمات آن در دست تهیه است، مقدماتی به اصطلاح «مدبرانه» و ....

یاد داشت:

طی چهار سال نهضت رهائی بخش، اهم از نهضت اعتصابی و تظاهراتی کارگران، دانشجویان و نهضت انتخاباتی ... و غیره (۴۵) تن از پرچمداران مبارز جریان دموکراتیک خلق افغانستان توقیف گردیده اند که همین اکنون (۱۲) تن از آنان در زندان استبداد به‌سر می‌برند. همچنان بیش از یک صد تن از پرچمداران آگاه ج. د. خ. ا - اعم از کارگران، معلمان، محصلان وماموران پائین رتبه یا اکثر از کارمندان اداره، لیسه وپوهنتون (پوهنځی‌ها) عملا تبعید و یابه اصطلاح «تبدیل» شده‌اند.

اسمای زندانیان پرچمدار ترقی خواه وطنپرست ج.د.خ.ا و جریانات مختلف وشخاص منسوبی که طی یک سال اخیر زندانی شده اند واکنون در زیر محاکمه ابتدائیه و یا مرافعه قرار دارند، قرار آتی است.

دستگیر پنجشیری، عبدالهادی کریم، عبدالقدوس کارگر، عبدالقادر بهیار، عبدالوکیل محصل پوهنځی اقتصاد، نجیب‌الله محصل پوهنځی طب، محمد اسماعیل محصل پوهنځی حقوق،

عبدالعلی کارگر، سلیم کارگر، غلام سخی دهقان، غلام فاروق محصل انجنیری،

نجیب‌الله محصل ادبیات.

ـ ذاکر صالح‌زیری، عبدالکریم زرغون محصل پوهنځی طب،

ـ محمد طاهر بدخشی، بحرالدین باحث،

ـ فرید شایان، گل‌محمد، ذبیح‌الله،

ـ سید قیوم، محمد عظیم، یاور بشیر یار،

ـ نادر علی، نقیب‌الله، محمد یاسین، حبیب‌الله، غلام یحیی و یک عده از شاگردان ابن سینا و دارالمعلمین ودیگران که عجالتا نام های آن ها دردفتر ما موجود نبود.

از خوانندگان محترم تقاضا میشود که اسمای اشخاص ملی و مترقی دیگری را که در حوادث اخیر زندانی می باشند به غرض نشر به ما بفرستند.

اکنون وظیفهٔ تمام عناصر ملی و مترقی است که از تمام زندانیان سیاسی که علیه استبداد، ارتجاع واستعمار مبارزه کرده اند و مخالف آزادی‌های مصرح در قانون‌اساسی و بنابر اتهامات نادرست و توطئه آمیز مخالف اصول دموکراتیک زندانی شده اند، با تمام وسایل مشروع ممکنه قانونا در چوکات اصول دفاع کنند واین جمله را شعار روز خویش قرار دهند:

عناصر ملی ومترقی بایداز زندان‌ها

نوراحمد (وکیل دورهٔ دوازدهم ولسی جرگه)

بازهم اعتراف بوضع نابسامان اقتصادی کشور

بناغلی دو کتور عبدالصمد حامد در جریان روز های «جشن استقلال» کشور بیانیه یی ایراد نمود که در آن شیوهٔ «هشیارانه» خاصی بکار برده شده است تا همو طنان ما معتقد گردند که گویا حکومت است. نخست اعترافات سال گذشته در بارهٔ رکود اقتصادی کشور انجام داده یک سلسله اعداد و ارقام به صورت فیصدی ها طوری ارائه شده است که با ملاحظهٔ آن خواننده نتیجه گیری جامعه عقب مانده ما انجام گردیده باشد. ولی از آنجائیکه واقعیت موجود با آنچه ادعا میگردد، تناقض صریح دارد، بنابران مشکل است آن چنان ذهنیتی را که درین زمینه مطلوب حکومت است، در مردم بوجود آورد.

در اغاز بیانیهٔ بناغلی و زیر پلان اعترافاتی که در سال گذشته بندی شده است به مقصد از ظرف حکومت به عمل آمده بود جمع اقتصادی حکمفرماست، ملکان به دست آوردن قروض خارجی باشرایط مساعد واستقراض از بانک مرکزی محدود می باشد. تناسب افزایش در عایدملی با مقایسه افزایش نفوس واستفاده از عایدملی به منظور سرمایه گذاری دو نسبت به مقایسه کشورهای مشابه افغانستان و به تناسب ضرورت رشد اقتصادی کشور فوق العاده ناچیز است.

نخست باید این مسأله را روشن ساخت که تنها اعتراف به نواقص نمی تواند کاری را از پیش برد، تشخیص نواقص و اعتراف به آن به‌معنی حل معضلات نه، بلکه الغا ز کار پست که باید تعقیب گردد و برای رفع آنها فعالیت های جدی مستمر وپا لمر، باستفادهٔ وسیع از امکانات موجود صورت نپذیرد.

ولی در اظهارات رسمی حکومت می توان متوجه این نکته گردید که سعی به عمل می آید مردم متقاعد گردند که گویا نواقص در کارحکومت یک امر طبیعی است، چنانچه بدون اعتراف می گردد، اما امکانات برای رفع آنها محدود می باشد و آنچه هم انجام می گیرد نتیجهٔ کار و فعالیت شبا روزی و خستگی ناپذیر (!) دستگاه اداره حکومت افغانستان می‌باشد. در بیانیهٔ بناغلی حامد وزیر پلان نیز مسألهٔ چنین طرح گردیده است که اولا نواقص کار شمرده شده و سپس سعی به عمل آمده تا ثابت گردد که تاسال گذشته حکومت مواجه به معضلات بزرگ اقتصادی بود. ولی در جریان یک سال این معضلات تا حدود زیادی رفع گردیده است. برای اثبات این مدعا در بیانیهٔ اعداد وارقامی به صورت فیصله ها که افزایش فوق‌العاده را با مقایسه به گذشته نشان میدهد ارائه شده بدون اینکه ارقام اولی که پایهٔ سنجش این فیصدی ها ست ارائه گردد. هدف معلوم است، برای اینکه ارقام اولی فوق‌العاده ناچیز می باشد و طبیعی است که حد اقل افزایش با مقایسه ارقام قبلی که بسیار نا چیز هم باشد به صورت فیصدی بزرگ جلوه مینماید.

بناغلی و زیر پلان با ارائهٔ چنین فیصدی‌ها و نتیجه گیری های دورازواقع براساس آنها در بیانیهٔ خویش مدعی می گردد که «... تاحدی در رفع رکود اقتصادی که به آن‌موا جه بودیم موفقیت نصیب خواهد شد.» درینجا سوای به وجود می آید که اگر حکومت به رکود اقتصادی مواجه بود (در گذشته) یعنی اکنون (در حال) نیست، پس چه ضرورت که گفته شود «موفقیت نصیب خواهد شد» (در آینده)؟ برای اینکه حقایق در لابلای الفاظ پوشانیده شود حتی محل استعمال ماضی، اخیرا حکومت قیمت پترول را از فی‌لیتره ـ افغانی به‌فی لیتر ۶ ـ افغانی وهمچنان قیمت دیزل رانیز بالابرد، دلیل آن تکافوی کسر بودجه وانمود میگردد که سهل ترین راه برای آن، افزایش قیمت پترول تلقی گردیده است. مبالغ اضافی که ازین‌طریق بدست حکومت میرسد در واقع از دست اکثریت عامهٔ مردم بطور غیر مستقیم بیرون کشیده میشود.

این اولین بار نیست، هنگامیکه دولت برای مصارف فراوان و غالبا بیلزوم ادارهٔ عریض و طویل خویش به مبالغ اضافی ضرورت احساس کرده است، کوشیده‌آنرا بر اکثریت محروم مردم افغانستان به اصطلاح «ریزش» یعنی تحمیل نماید. هرگاه حکومتها درافغانستان جرأت آنرا میداشتند که اقلا چند گام مختصری درجهت تحدید غارتگری های عظیم طبقات حاکم بردارند، امکانات وسیع برای تامین عواید کافی دولت میسر بود، ولی از آنجائیکه حکومت ها منحیث ماهیت خویش قادر بانجام این امر نیستند، لهذا فشار عمدهٔ مالیات و عوارض و سنگینی ناشی از افزایش قیمت‌ها، بردوش توده‌های محروم جامعه می افکند، یکی از این تصمیمات خورد کنندهٔ اخیر که تاثیر ناگوار، مستقیما برزندگی خلق کشور دارد: همین افزایش قیمت پترول می‌باشد. حکومت اگر منافع مردم و عواقب ونتائج ناشی از این اقدام را به حد اقل می‌توانست در نظر گیرد: راه برای بدست آوردن یک مقدار پول اضافی، افزایش قیمت پترول نه؛ بلکه بحیث یکی از راه‌ها تعقیب جدی و سرسخت موترداران سرباری که غالبا محصول و حق‌الانحصار موترها را نپرداخته و از تادیهٔ آن به نیرنگهای گوناگون سرباز زده‌اند و بالابردن میزان محصول وحق‌الانحصار توریدموترهای تیزرفتار شخصی بود. اما همهٔ میدانند که حکومت نه حاضر است و نه قادر که به چنین عملی تن زند که به اصطلاح «آزادی» نازپروردگان و مفت خواران جامعه محدود ویا بمنافع ایشان کوچک‌ترین لطمهٔ وارد گردد.

مسلم است که افزایش در قیمت پترول تاثیر سوء در زمینهٔ افزایش دیگر قیمت‌ها دارد و هم بهانهٔ بدست استفاده جویان غارتگر جامعه میدهد که هم اکنون نتایج آن بر قیمت‌های مواد اولیه مورد نیاز مردم و مخارج زندگی ایشان مشهود است. اقدام به چنین تصمیمی بخصوص درشرایط افغانستان که یگانه وسیلهٔ اساسی حمل‌ونقل وخاصتا برای انتقال‌غله و حوار وبار از مناطق دور دست به بازار، موتر می‌باشد (خط آهن وجود ندارد، حمل و نقل از طریق فضا در کشور ماگران‌وناکافی است) یک عمل نادرست بوده و این خود حکومت است که موجد و مسوول گرانی قیمت‌ها میباشد.

کاوه

چطور حکومت قیمتها را بالا میبرد

موقفهای شوروی وامریکا درقبال بحرانات شرق میانه

انور سادات رئیس شورای ملی جمهوریت عربی متحد اظهارداشت: دربعضی ازجرایدغربی وحتی درجراید لبنان نوشته شده است «عده‌ئی درداخل مصر باهمدستی شوروی میخواستند تغییراتی واردسازند.» انور سادات این نوشته‌هارا از ریشه رد کرد. اوگفت: درهرکشور تغییرات صورت میگیرد.

انورسادات اظهارنمود: «دستگاه‌های تبلیغاتی امریکا وادارهٔ جاسوسی آن علیه جمهوریت عربی متحد شروع بفعالیت نموده اند و می‌خواهند با این تبلیغات در بین مردم شکاف ایجاد نمایند، مگر حالامردم بیدار شده‌اند و فریب همجو تبلیغات زهرآگین را نخواهند خورد. فعلا امریکا بدشمن شماره یک جهان‌عرب تبدیل شده، در حالیکه اتحاد شوروی دوست بیشائبهٔ خلق عرب است. شوروی کمکهای‌بدون غرض بما میکند و ما توسط آن از آزادی و شرافت خود دفاع میکنیم. ما به اتحاد شوروی بحیث یک‌دوست با اعتماد مینگریم و دوستی ما پایدار خواهد بود.»

* * *

محمود ریاض وزیر خارجهٔ جمهوریت عربی متحد در یاد داشتی که به اسامبلهٔ عمومی ملل متحد فرستاده سیاست جمهوریت عربی متحد را در مورد تجاوز اسرائیل ارزیابی نموده و طرح پالیسی های توسعه جویانه اسرائیل را خاطر نشان ساخته است.

محمود ریاض جنایات روزانه اسرائیل راعلیه مردم عرب به جنایات آلمان نازی علیه مردم اروپا مقایسه کرد.

وزیر خارجهٔ جمهوریت عربی متحد به تحرکات دوامدار ایالات متحدهٔ امریکا برای اسرائیل از لحاظ طیارات و اسلحه در هنگامیکه اسرائیل خاکهای عرب را اشغال کرده است و به پشتیبانی آنکشور از پلانهای توسعه طلبانه اسرائیل، اشاره کرد.

او درینمورد گفت که این طیارات فانتوم است که اسرائیل از ایالات متحدهٔ امریکا دریافت میدارد، مردم عرب را بقتل میرساند، اعراب فلسطین را در کمپ‌های شان مورد تعقیب قرار میدهد، بمب‌های ناپالم ووسایل دیگر ویران کننده را بر ایشان فرو میریزد. وی خاطرنشان ساخت که امریکا از لحاظ نظامی، سیاسی و اقتصادی اسرائیل را که مخالف صریح منشور ملل متحد خاکهای عرب را اشغال کرده است، پشتیبانی مینماید.

محمود ریاض در یاد داشت‌خویش به اسامبلهٔ عمومی ملل متحد متذکر میگردد که یگانه راه برای تامین‌صلح درشرق میانه عبارت از تطبیق فیصله نامهٔ ۲۲ نومبر میباشد.

محمود ریاض‌درمورد موقف‌اتحاد شوروی دربارهٔ بحرانات شرق‌میانه گفت که کوششهای بزرگی بمنظور استقرار صلح مبنی بر عدالت‌توسط اتحاد شوروی بعمل آمده است. او از موضعگیری قاطع شوروی علیه تجاوز اسرائیل سپاسگزاری کرد. وی اضافه کرد که اتحاد جماهیر شوروی خلقهای افریقا و آسیا را در مبارزهٔ ایشان علیه امپریالیزم و استیلای خارجی‌پشتیبانی کرده‌است.

محمود ریاض در پایان یاد داشت خویش اظهار میدارد که مردم مصر مصمم‌اند که هرانچ از خاکهای اشغال

بیستمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان تجلیل شد

از تاسیس جمهوری دموکراتیک آلمان بیست سال میگذرد. در هفتهٔ گذشته مراسم پر شکوهی بدین‌مناسبت در برلین برگذار گردید. نمایندگان (۸۴) کشور مختلف‌جهان‌در تجلیل بیستمین سالگرد تاسیس جمهوری دموکراتیک آلمان اشتراک‌ورزیده بودند.

البریخت رهبرحزب سوسیالیست‌واحد آلمان دموکراتیک طی بیانیه‌ئی اظهار داشت: «ماجوشبختیم بمردم‌جهان نشان میدهیم که از یک‌کشور ملیتاریستی آدم کش وجنگ طلب‌بیک کشور کارگری و دهقانی رشد یافته، صلح طلب و آزادی دوست‌تبدیل شده ایم و این از برکت‌نظام اجتماعی سوسیالیستی میباشد.» البریخت گفت که: «سیاست ما از سیاست ماجراجوئی و جنگ طلبی‌به عامل صلح و دوستی تبدیل شده

(ص ۲)

(ص ۲)

شناخت صحیح زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی و تکتیک وستراتیژی سیاسی باهم پیوند دارد

موضوع «شناخت» موضوعیست بسی ارزشمند که زندگی، کارنامه‌ها و سر نوشت آدمیان از چگونگی (درستی ونادرستی) آن به سختی متاثر بوده‌است. «شناخت صحیح» برای یك سازمان مترقی پیروزی بار آورده و «شناخت نادرست» موجب شکست او شده‌است. از نیرو و شناخت صحیح زمینه‌های اجتماعی- اقتصادی برای سازمانهای سیاسی مترقی امریست کاملا ضروری. هر گونه اشتباه در شناخت سازمانهای سیاسی مترقی ضربه‌یی است بر پیکر توده ها وجریان پیشرو. باید عملیهٔ «شناخت» را با شیوه های نوین علمی بررسی کرد و اصول «شناخت صحیح» رابدست آورد.

طرح موضوع : شناخت زمینه های اجتماعی- اقتصادی درکشورما، همانند هر پدیدهٔ دیگر، دو جنبه و دو پهلوی متضاد دارد: نخست‌جنبهٔ عام و پهلوی روشن، دو دیگر جنبهٔ خاص و پهلوی پیچیده.

اگرزمینه‌های اجتماعی- اقتصادی را از دید گاه جنبهٔ عام و پهلوی روشن بنگریم. همه چیز ساده و مفهوم م است: بدین معنی که افغانستان را کشوری می یابیم پسمانده ودارای یك سیستم پوسیده طبقاتی که‌مناسبات فئودالی در آن مسلط است. این جامعه، مانند جوامع دیگر طبقاتی، به دو قطب عمده و متضاد بخش شده است.

دریك قطب نیروهای استثمار گر ودر قلب دیگر توده های و سیع زحمتکشان قرار دارند. روابط تولیدی موجود، روابط استثمار گرانه است، و در چار چوب این روابط تولیدی کشمکش طبقاتی جریان دارد. به مقیاس جهانی نیز توده های ما از تقسیم کار و جهانی رنج می برند؛ زیرا کشور ما به حیث یك تولید کنندهٔ مواد خام و بازار فروش کالاهای صنعتی به دست کشورهای امپریالیستی استثمار میشود.

همه چیز، طوری که گفته شد، روشن است. حالا چه باید کرد؟

خیلی‌ساده: باید از توده ها «خواست» که زنجیرهای استعمار و استثماررا پاره کنند؛ باید توده ها ... را «انجام» دهند و جامعه‌مسعود راپدید آورند؛ چه، دوران ما دوران گذار از سرمایه‌داری به‌سوسیالیزم است.

این یك جنبه ویك پهلوی مساله است، ولی باید واقعبینگرا بود؛ جنبهٔ دیگر و پهلوی دیگر را نیز بایددر نظر داشت.

هرگاه زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی افغانستان را از جنبهٔ خاص و پهلوی پیچیده بر رسی و پهلوی سیاسی مساله را مطالعه کنیم، همه چیز را مبهم، غیر مفهوم و سر در گم‌کننده می یابیم:

مثلا در جبههٔ ارتجاع می بینیم که نیروی های و بسته به این‌جبهه حیله گر، زرنگ، کهنه‌کاروانعطاف پذیر هستند، و سایل و شیوه‌های گوناگونی رابرای فریب دادن‌توده‌ها به کار میبرند. **ارتجاع محتوی راحلی را در اشکال مختلف دربرابر مردم قرار میدهد: بدینسان آنان را تخدیر می کند و یا بلا تکلیفی طبقاتی روبه رو میسازد.** سازمانها وموسسات عمدهٔ اجتماعی در اختیار ارتجاع کشور است که از آن‌ها ما هر‌به به سودخویش بهره برداری میکند. امپریالیزم نیز با قدرت عظیم اقتصادیش، با شبکه های جاسوسیش و با سازمانها وسایل فر هنگیش تعاملاتی را در جامعهٔ ما انجام میدهد که‌این تعاملات برتار وبود این جامعه اثر ژرف میگذارد. **بورژوازی ملی (اقشار متوسط) را با پیوند های مشخص به خود وابسته می سازد، خرده بوزوازی را به جناح راست، به سوی فساد و خوش‌گذرانی های مبتذل میراند: عناصر مذهبی را علیه نیرو های مترقی بسیج میکند؛ روشن فکران‌راعیاش، خود پرست و عشرت طلب‌میسازدو به سوی گذر گاه های انفراد پسندی بورژویی و آنار شیزم ونیهیلیزم می‌کشاند.** بدینگونه این تعاملات کلیت ذهنی مردم را متاثر می سازد؛ درین کلیت پراگندگی و ابهام بار می آورد و سلامت دید عمومی مردم را نا بود می گردانند و به جای یك دید سالم، دید مطلوب خو یشتن را جا گزین می سازد.

در جبههٔ خلق دیده میشودکه‌هنوز مردم دررخوت اندو شعور طبقاتی آنها بیدار نگردیده است. مر زهای طبقاتی شکلا، برای خلق هنوز روشن نیست؛ از یکرو توده ها تاکنون دوست را ازدشمن‌نمیتوانند تشخیص دهند. میان طبقات واقشار ملی و مترقی (کار گران، دهقانان، پیشه ورن، کار مندان پایین رتبه‌موسسات‌دولتی‌وخصوصی، بورژوازی ملی و روشنفکرن)،تحاد آگانه وبالفعل ایجاد نشده است. طبقهٔ نو جوان کار گر از نا حیهٔ ارتجاع داخلی و قدرتهای امپریالیستی‌با دوشوارییهای بزرگی روبه روست. تسلط تولید فئودالی وما قبل فئودالی وارزشهای اجتماعی مربوط به آن وضعیت عمومی کشور را به رکود موجه ساخته است، در اثر عوامل مشخص، فرهنگ عمومی کشور ما محتوی انقلابی ندارد و روحیهٔ انقلابی توده‌ها کوبیده شده است. ملیتها و اقوام ومذاهب موجود در وطن وحد ما ازهمدیگر دور نگهداشته شده اند. خصومتهای ملی، قومی‌ومذهبی هنوز پا برجاست. عدم سابقهٔ مبارزهٔ و سیع سیاسی و عدم تجربهٔ عینی سیاسی بخشی نسبتا بزرگ نیرو- های جوان سیاسی را خام وسطحی بار آورده است. این است بخشی‌از وضعیت کشور ما از دید گاه جنبهٔ خاص و پهلوی پیچیده.

شناخت صحیح : اکنون باید دید کدام جنبه و کدام پهلوی شناخت صحیح است. هرکدام این دو پهلو ودو جنبه به تنها بی‌ناقص و نا درست است، مطلق ساختن یکی آنها اشتباه است. **مطلق‌ساختن جنبهٔ عام وپهلوی روشن به ماجرا- جوی و چپ روی، دو گما تیزم و وساده شمردن قضایا می‌انجامد؛ در حالیکه مطلق ساختن جنبهٔ‌خاص وپهلوی پیچیده به لقطهٔ پاسیفیزم، شکاکیت‌غیراصولی‌ولاادری‌گری، تسلیم طلبی وپوچ تو نیزم میرسد.** این دو پهلو و دو جنبه در حالیکه یکی نیستند، مکمل یکدیگراند.(ما در جا معهٔ خود عناصری می-

«از ص اول»

بیستمین سالگرد جمهوری...

اروپا درهرجا باعکس‌العمل مساعد مواجه گردیده است، اظهار رضایت نمود. رهبر حزب کمونست اتحاد شوروی اظهار اطمینان نمود که‌جامعهٔ دولتهای سوسیالیستی نیرو مندتر خواهد گردید و همکاری سیاسی، نظامی و اقتصادی بین آنها بیشتر رشد خواهد نمود. تمام تلاشهای دشمنان سوسیالیزم بخاطر از بین بردن وحدت کشور های سوسیالیستی به ناکامی منجر خواهد شد.

* * *

جمهوری دموکراتیك آلمان‌درسایهٔ نظام نوین اجتماعی و پیروی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز وصلح جویانه خویش در مدت‌کوتاه بیست سال موجودیت‌خویش‌باوجود مشکلات فراوان و خرابیهای زیاد ناشی از جنگ دوم جهانی و توطئه- های امپریالیزم به ترقیات زیادی نایل‌گردیده است. تولیدات صنعتی آن درمقایسه باسال ۱۹۴۹ پنج‌برابر شده است و از نظر حجم تولیدات صنعتی در جهان مقام «ششم» را دارد. زراعت در آلمان دموکراتیك تقریبا ماشینی شده و (۹۰) فیصد توسط ماشین صورت میگیرد. در بیست سال گذشته در آلمان شرقی یکصد هزار کتاب طبع شده، میزان تولید برق ده روزه در جمهوری دموکراتیك آلمان برابر با یکسال تولید برق در سال (۱۹۴۹)میباشد، این کشور با یکصد کشور جهان مناسبات تجارتی دارد. در آلمان شرق (۸۸۷) سینما، و (۹۷) تیاتر وجود دارد و از نظر تلویزیون در اروپا مقام چهارم را دارد.

منافع صلح جهانی، مصالح‌عالیه ملی مردم افغانستان و سیاست همزیستی مسالمت‌آمیزایجاب‌مینماید که هرچه زودتر دولت جمهوری دموکراتیك آلمان برسمیت شناخته شود ویا آن کشور مناسبات همه- جانبه برقرار گردد.

«ازص اول»

باز هم اعتراف بوضع نابسامان اقتصادی کشور

حال واستقبال در جملات بیانیه بدرستی مراعات نگردیده است.

واقعیت سر سخت موجود در جامعه حکم می نماید که هنوزرکود کامل نه تنها در اقتصاد فوق‌العاده ناتوان کشور حکمفرماست، بلکه روز تا روز حالت بحرانی پیدا مینماید.

در قبال این واقعات بناغلی و زیر بلان نیز ناگزیر است پس از ادعا های فراوان در مورد «از دیاد سطح تولیدات ملی و از دیاددرعاید ملی ...» اعتراف نماید که «... به صورت مشخص تولید زغال سنگ و لاجورد کمتر است. در تولید انرژی مخصوصا توزیع آن بنابر یك سلسله عوامل تخنیکی کدام تغییر قابل ملاحظهٔ صورت نگرفته...»

«سمنت نسبت باینکه سال گذشته در اثر عدم امکان فروش ذخایرزیاد باقی مانده بود در سال ۱۳۴۷ نسبتا کمتر تولید شد... فابریکه سمنت جبل السراج متاسفانه هنوز به تولید مجدد آغاز نکرده».

«...تولید نساجی نخی بنا بر کمی مواد خام ما حصل سال ۱۳۴۶ و پاره عوامل اجتماعی در سال ۱۳۴۷ (بیست‌و پنج فیصد) کمتر شده...»

«تولید شکر کمتر قناعت بخش بوده و تقریبا ۲۵ فیصد تنقیص در آن رخ داده است، اگر تجدید نظر اساسی در تدویر آن نشود سال آینده نیز بهبود در تولید شکر متصور نخواهد بود».

این اعترافات در زمینهٔ وضع نا مساعد عمده ترین اقلام تولیدات معدنی و صنعتی کشور که میتوان فقرات صنایع فوق العاده ضعیف و کم رشد افغانستان را در وضع کنونی تشکیل میدهد خود بر رد ادعا های مبنی بر «ازدیاد سطح تولیدات ملی» در طرف سال‌گذشته و «رفع رکود اقتصادی» حکم‌می- نماید.

آنچه مسلم است اینکه‌افغانستان از لحاظ اقتصادی واجتماعی فوق‌العاده عقب مانده و آهنگ رشد اقتصادی آن به نحو و جشتنا کی کند است که هر گاه وضع بدین منوال ادامه یابد، نمی توان‌انتظار داشت طی سالیان زیادی حد اقل رشد قتصادی نصیب جامعهٔ ماوخلق افغانستان گردد، مگر اینکه با سرعت وصحت‌ممکنه نظام‌اقتصادی- اجتماعی نوین و مترقی جا یگز ین نظام اقتصادی - اجتماعی فرتوت کنو نی گردد.

شنا سیم که با نوسان شان در بین این دو جنبهٔ شناخت موقف های متضاد گرفته اند. این عناصرروز- گاری با مطلق ساختن پهلوی روشن و جنبهٔ عام شناخت در موضع‌ماجر- جوئی وخلاقگری قرار داشتند و از دهنهای شان «قیام مسلحانه» و «مبارزهٔ قهر آمیز» می‌بارید. بعدا این عناصر از تجر بیات شان‌نتیجه نادرست گر فتند و پهلوی خاص و جنبهٔ پیچیدهٔ قضایا را مطلق ساختند. در نتیجه ناگهان «واقع بین» (!) شدند، بعض ماسك دموکرات به چهره زدند، عده یی به بورژوازی ملی تبدیل شدند وعده‌یی که «با شهامت تر» (!)بودند پستهای عالی دو نتی را گرفتند واز مردم «حق‌ناشناس»(!) روی‌برتافتند.

شناخت تکتیك و ستراتیژی : مبارزهٔ سیاسی عملیه‌یی است که عمدتاً دو بخش را در بر می گیرد: تکتیك و ستراتیژی، تکتیك و ستراتیژی زادهٔ شناخت است، شناخت صحیح ضامن‌پیروزی مبارزهٔ سیاسی است.

به صورت مشخصتر می توان‌گفت که تکتیك و ستراتیژی هر کدام‌با یك پهلوی شنا خت ار تباط قا یم می‌کند؛ بدین معنی که تکتیك بر جنبهٔ خاص و پهلوی پیچیدهٔشناخت و ستراتیژی بر جنبهٔ عام و پهلوی روشن آن بیشتر متکیست، یعنی در تکتیك جنبهٔ خاص و پهلوی پیچیده ودر ستراتیژی جنبهٔ عام و پهلوی روشن بیشتر بها داده‌می- شود. از همین جاست که گفته میشد: «در ستراتیژی یك نفرخودی دربرابر ده نفر دشمن، اما درتاکتیك ده نفر خودی دربرابر یك‌نفردشمن» واین سخنی است درست با اتکاء بر هر دو پهلوی شنا خت.

یك سازمان سیاسی مترقی باید مبارزهٔ خودرا متکی بر هردو جنبهٔ شناخت بسازد: **زیراپهلوی‌روشن‌وجنبهٔ عام شناخت نیرو های پیشرو را امید و قوت و جهت می بخشد و ظفر مندی توده ها و سازمانهای شان، مسلم می‌سازد؛ در حا لیکه جنبهٔ خاص و پهلوی پیچیدهٔشناخت** پیچیده زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی کشور مانیستند و پهلوی روشن (این زمینه‌ها، مطلق ساختهٔ اند برای آنانی که مبارزهٔ سیاسی رابه حیث یك کل روی جنبهٔ روشن شناخت بنا کرده اند، غیر قابل فهم است. ازینرو نا بخردانه بر تکتیکهای خلاق و مطابق با عینیت مهر رویز یو نیزم، سا ز شکار ی، راست روی، «انحراف از اصول، تسلیم طلبی وما نند اینها را می- زنند. **اشتباه این دسته ها وعناصر درین است که شناخت شان از واقعیت ناقص است و گناه شان درین است که شناخت درست جریان اصولی را در عرصهٔ ملی و بین‌المللی با کله شخی تمام نمی- پذیرند.**

ما چه میگوییم ؟ درینجا مو ضوع بسیار عمیق ووسیع فلسفی درمقام ار تباط با سیاست و مبارزهٔ سیاسی خیلی فشرده و موجز بررسی و تحلیل شد. مراد ازین بررسی این بود تا شناخت خودرا، اصول شناخت خودرا، شرح کرده مبارزهٔ انقلابی خود را، مفهوم سازیم؛ ز یرا امروز یکعده محدود ومنفرد ازخلق؛ بر چمدارن دموکراتیك خلق افغانستان را به نسبت تکتیکهای خلاق، عمیق، پیچیده، انعطاف پذیر و مطابق با عینیت آن، باعنوان های گوناگون ریو نیزبو نیست سازشکار، ریفورمیست و ما نند اینها می‌کوبند (!). اگر چه این لاطیلات دیگر تاثیری بر مردم ندارد و خلاف آن در عمل ثابت شده است؛ بااینهم بار دیگر کلیت‌مبارزهٔ خود را صریحا یاد آور می‌شویم.

ما به پیروزی توده های‌افغانستان وبه‌نیروی‌استبداد، ارتجاع‌واستعمار ایمان داریم. ما ایمان داریم براینکه سر انجام رستاخیز توده ها فرا میرسد، «خورشیدخشم‌خلقها طلوع می‌کند و بخبندان پلید استثمار و بهره کشی را یك جا با شب سیاه نظام طبقاتی می‌گدازد و نابود می- سازد. نیروی عظیم قدرت شکن‌خلق پیکر «های ستم را در هم میشکند و آذرخش انتقام طبقاتی توده ها در خت سال خوردهٔ نظام طبقاتی را خاکستر می سازد. آنگاه انسان شریف و زحمت کش قدرت را به دست می‌گیرد؛ ولی نه برای اینکه انسان دیگر را بیا زارد، بلکه برای اینکه زندگی واقعا انسانی برای او فراهم سازد.

اما این هدف است. این پهلوی روشن قضیه است. حالانکه قضیه پهلوی تاریك، مغلق‌وپر پیچ‌و خم هم دارد: راه رسیدن به‌این هدف دشوار است. مبارزهٔ صحیح و اصولی می‌خواهد، مبارزهٔ پیگیرانه میخواهد، فدا کاری میخواهد، خرد میخواهد، حوصله میخواهد، **احساسات گرم انقلابی جمع‌مغزسرد می خواهد.** به یك سخن این راه پیچیده و دشوار تکتیکهای خلاق و پیچیده میخواهد که سازمان سیاسی مترقی و نهضت را ازتاریکی به‌روشنی‌میکشد. این است دیالکتیك پهلوی های متضاد شناخت اجتماعی واقتصادی وارتباط آنها با تکتیك و ستراتیژی در چار چوب مبارزهٔ سیاسی.

احتیاط، دقت‌نظر، ژرف نگری، انعطاف پذیری، اجتناب از هر گونه چپ روی و ماجرا جویی ورزیابی- های درست را تاکید می‌کند، پهلوی روشن شناخت نیروهای مترقی را الهام می بخشد وبه‌جلومیراند؛ در حالیکه پهلوی پیچیده همچون چراغ رهنما آنان را از هر گونه لغزش و انحراف به چپ و راست بازمیدارد، این بخش مبارزه‌سیاسی (تا کتیکها) برای آنانی که قادر به درك پهلوی

(مهر بخش)

جوانان مبارز جریان دموکراتیک خلق افغانستان

در برابر ادعای خارنوال در محکمه ابتدائیهٔ کابل از خود دفاع مینمایند

تذکر :

دفاعیهٔ رفقای جوان ومبارزما(وکیل.نجیب ، اسمعیل) دارای دو بخش است . یکی مقدمه عمومی در برابر ادعای عمومی خا رنوال که بصورت عمومی علیه ایشان وعده دیگری اززندانیا ن سیاسی بعمل آمده است درینمورد هرسه تن از رفقای جوان ما متحداً در چوکات یك متن واحد ازخود وجریا ن خویش دفاع نموده اند. بخش دوم دفا عیه های جدا گانه این سه جوا ن محصل میباشد که بصورت مشخص اتهام نادرست وضدقانونی خارنوال را در مورد شخص خو د رد کرده اند.

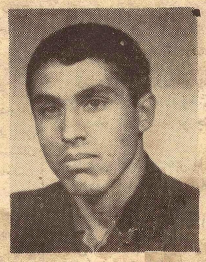

وکیل

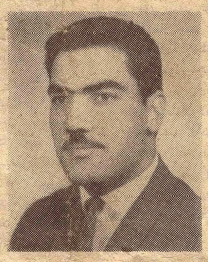

نجیب

اسمعیل

مقدمه عمومی :

ف ، ع ، ص رئیس و ا عضای محترم دیوان حقوق عامه ولایت کابل!

ازآن جائیکه بناغلی محمد امین نیازی مسا عد اول خارنوالی ولایت کابل طی مقدمهٔ دعوی ناشیانه خویش درجمله سایر اشخاص اسمی از ما نیز برده است ناگزیر به رد مطالب جملا ت و کلمات مقدماتی موصوف که دور از واقعیت و بدون احساس مسؤولیت وعدم درك درست ازتوجیه ارزش های قانون اساسی اظهار گردیده ،ست می پردازیم :

بناغلی مسا عد اول ضمن جملات ومفاهیم بی ربط وبی پایه مقدمه دعوی وبنابر دستور خصما نه ، متجمله می گوید: « اوراق دوسیه تسبتی مظاهره چنان که خلاف قانون به یك بی نظمی مطلق واخلال امنیت منطقه وزدوخورد های بیمورد اقدام...الخ»

اولا باید از بناغلی مساعد اول پرسید که منظورش از «بی نظمی مطلق» چیست ؟؟

استعمال کلمه «مطلق» درشرایط عادی کنونی برای باصطلاح «بی نظمی» که گویا دراثر مظاهرات بوجود آمده باشد، آشکارا غیر واقعی وغیر مسؤولانه است . «بی نظمی مطلق» آنست که وضع طوری بحرانی ودرهم ریخته گردد که تقریباً امکان اعاده اداره حکومت برای یکمدت از بین رفته باشد . ثانیاً اینکه باصطلاح «اخلال امنیت» اکنون بطور عام بمورد وبیمورد استعمال می گردد وتجربه نشان داده است که اخلال امنیت از یکسو دراثر برخورد نادرست اداره ناسالم که شخص رئیس حکومت نیز بدان معترف است وازسوی دیگر درنتیجه مداخله نادرست قوای امنیتی حکومت در جریان مظاهرات قانونی ومسالمت آمیز و هم چنان در اثر اعمال اخلالگرانه فتنه گران درجریان مظاهرات بوجود می آید . استعمال کلمات چون «سرغنه ومحرکین درجه اول» نمیتواند هیچگونه مصداقی در رد آن محصلان وشاگردان که غرض تأمین برخی ازخواستهای صنفی شان ودفاع از آزادی های مصرح درقانون اسا سی دست به مظاهرات قانونی ومسالمت آمیز زده اند، داشته باشد. ما درمورد خود بهیچوجه نمی توانیم استعمال این اصطلاحات را بپذیریم.

هنگا میکه محصلان و شاگردان بصورت د سته جمعی برای تا مین خواستهای صنفی وحقوق وآزادی های دموکراتیك خود مطابق به ارزشهای قانون اساسی بطور آگاهانه وشعوری دست به اعتصاب یا مظاهره می زنند آنگاه «سرغنه و محرك» نمیتواند موضوع بحث باشد .

اینکه بناغلی مساعد اول در دعوی خود مدعیست که منجمله محرك بودن ما «مستدل بدلایل اثباتیه جرم ... که مشتمل برجوع آوری استدلالات وآثار وشواهد مثبته موظفین مامورین ضبط قضائی» است، بصورت قطع نمیتواند «استدلالات» پولیس راکه بحیث مامورین ضبط قضا ئی معرفی شده اند، برای متهم ساختن ما وآن عده محصلین وطن پرستیکه ما می شناسیم ، بازهم صحیح ودرست باشد زیرا بارها بملاحظه رسیده که بنابر درك ومعلومات غلط واطلاعات ناقص تو سط اینگو نه اشخاص «مؤظف» که غا لبا فاقد معلومات وبنیاد بی سویه اند ومعتاد ووابسته به اداره استبدادی اند واصلاً به آزادی های مصر ح در قا نون اساسی و دموکراسی عقیده ندارند وجود محصول اداره استبدادی می باشند. عادت دارند که طبق خصلت خویش دوسیه سازی کنند وبالای وطنپرستان، آزادی خواهان وتحول طلبان وعناصر مترقی کشور اتهامات نادرست وارد نمایند. سپس در مقدمه ادعا نامه بناغلی مساعد اول مطالبی اظهار گردیده است که ازروی آن ها بدرستی میتوان به نیات قبلی بناغلی موصوف در برابر رو شنفکران و طنپرست کشور وادعای قبلی اینکه در این زمینه دارد پی برد . تامبرده قبلا می گوید: «ازدوسه سال باین طرف بعضی از طبقات که خودرا روشنفکر دانسته بدون اینکه تمام وجایب قانونی، فردی واجتماعی را درنظر بگیرند بخود سری ها وعدول ازحدود قانون شروع وهدایت قانون اساسی را غلط مطابق مقاصد ومرام ناجایز خود تعبیر نموده ....» این اظهار تا درست بناغلی مساعد اول گواه برآنست که تامبرده قبل ازهمه از درك این مسالبه عاجز است که روشنفکران خودقشری وصنف معینی از جامعه بوده، خودوهمکارانش نیز نفهمند یا نفهمند متحیث ماهیت خویش متعلق به این قشر میباشند ،ولی باین فرق که ایشان درموضع دفاع از منافع محافل حاکمه قراردارند وروشنفکران وطنپرست ومترقی در موضع دفاع حقوق و آزادی های مردم کشور خو یش واقع اند. آنچه را می توان ازاین گفته بناغلی مساعد اول استنباط کرد اینست که وی تمام روشنفکران را بدون تشخیص مرتجع و مترقی وطنپرست وغیر وطنپرست، اصولی وغیر اصولی محکوم کرده وهرگونه اعمال ومبارزات اجتماعی و فعالیت های ایشانرا «عدول ازحدود قانون» ومبنی بر تعبیر «غلط مطابق مقاصد ومرام ناجایز» شان خوانده است. در حالیکه اگر اندکی بگفتهٔ خود متوجه میبودند واضح میگردید که این اوست که مواد قانون اساسی را برای منظور خاصی نادرست تعبیر کرده وآنانیراکه میخواهند بااستفاده از آزادی های مصرح در قانون اساسی برای بیداری مردم و دفاع از حقوق اوشان، برای بهتر شدن زندگی فلاکتبار اکثریت ملت افغانستان ، بخاطر تامین و تحکیم استقلا ل اقتصادی وسیاسی افغانستان ودرراه تامین دموکراسی و ترقی اجتماعی ودفاع از وطن مقدس مان افغانستان مبارزه می نمایند ، محکوم می کند وبه تعبیر غلط مواد قانون اساسی مطابق مرام ومقاصد خصوصی ملزم قرار میدهد . باید گفت تعبیر درست از مواد قانون اساسی اینست که بمنظور «تنظیم حیات ملی افغانستان مطابق به مقتضیات عصر وبر اساس واقعیات تاریخ وفرهنگ ملی»، «تامین عدالت ومساوات»، «تطبیق دموکراسی سیاسی ، اقتصادی و اجتما عی» «تامین آزادیهای مردم»، «رفاه خلق کشور»، «تشکیل یك جامعه مرفه و مترقی براساس تعاون اجتماعی وحفظ کرامت انسانی » مردم افغانستان مبارزه صورت گیرد .

بناغلی مساعد اول تو جه نمایند که آنچه دربالا گفته شد در مقدمه قانون اساسی آمده است که خود راهنما برای درك و تعبیر صحیح مواد مندرج درقانون اساسی می باشد که بتاسی ازآن مواد مربوط به فصل حقوق ووظایف اساسی مردم قانون اساسی بهترین مفسر ومبین آن است که مطابق به احکام آن مردم افغانستان حق دارند تاازحقوق وآزادیهای آن آزادانه استفاده نمایند .

تا آنجا نیکه بما مربوط است کو شیده ایم تابا استفاده صحیح ومعقول ومتناسب بشرایط از مقدمه قانون اساسی وآزادیهای مصرح در قانون اساسی کشور و در شرایط کنونی بادرنظر گرفتن اصول ومرام نجات بخش ملی ودموکراتیك خویش برمبنای دانش مترقی در راه نجات خلق رنجد یدهٔ افغانستان از فلاکت وبدبختی مبارزه نمائیم .

مبارزات ماهبتنی بر علم بیشرو، سرشار ازاحساس وطنپرستی، عشق به تمام خلق ووطن پرافتخار ومحبوب ما افغانستان بغرض ترقی اجتماعی، بخاطر بیداری و رهـائی و سعادت توده های زحمتکش وتحت ستم خلق کشور که اکثر یت عظیم ملت ما را تشکیل میدهد بوده است، که درین امر بصورت قطع هیچگونه غرض شخصی نه دخیل بوده ونه می تواند دخیل باشد .

بنابراین بصراحت میگوئیم که این مانیستیم که مواد «قانون اساسی را غلط مطابق مقصد ومرام ناجایز خود تعبیر نموده» باشیم، بلکه این بناغلی مساعد خارنوالی است که چنین غلط علیه ما اقامه دعوی می نمایند واز مبارزات وطنپرستانه وشجاعانه ماکه بصورت مشخص وآشکار در روی اخبار ما « پرچم ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان» انعکاس می یابد . تعبیر نا درست می نمایند وآن را «مرام شخصی و ناجایز» می پندارد .

قضات محترم توجه خواهند فرمود که بناغلی مسا عد اول چگو نه بی مسؤولیت کلماتی از قبیل «تعبیر غلـط قانـون اسا سی ، ناجایز، خود سریها ، تحریکات ، توئیـد تشنجات وناآرامی ها» وغیرهرا استعمال نموده است ، بازهم اگر نامبرده درینمورد پافشاری دارد پس ثابت نماید که چگونه مبارزات ،(تاآنجائیکه ادعا در برابر ما با شد) نا جایز می باشد؟؟ وچطور بغرض «مرام ناجایز خود» مواد قانـون اساسی را غلـط تعبیر کرده ایم ؟؟

بناغلی نیازی دردعوی خود علیه ما به چند ماده قانون اساسی استناد می نماید و ادعـا دارد که گویا مـا (تاآنجائیکه بمامربوط باشد) خودرا به مواد ۳٤،۲٦ و ۹٤ وغیره قانـون اساسی مقید ندانسته ایم . درین مواردبجز «بنکه بگوئیم یا نامبرده خودش مواد متذکره را مطالعه نکرده وباازمتن آن ها چیزی نفهمیده است. وباید گفت که مانه تنها مواد متذکره رادرنظر گرفته ایم بلکه ازآنها استفاده نموده وبرمبنای آن مبارزه کرده ایم چنانچه ماده «۳٦» حکم می کند «آزادی حـق طبیعـی انسان است ، آزادی وکرامت انسان از تعـرض مصئون است وانفکاك نمی پذیرد، هیچ عملی جرم شمرده نمیشود مگر به موجب قانونیکه قبل از ارتکاب آن نـافـذ گردیده باشد، ... الخ»

واین می رسانند که ادعای بناغلی نیازی چگونه مبالغه آمیز وافتراء آمیز ودور ازواقعیت می باشد !!

تعجب آور است که دراد عا نامـهٔ مدعی قید گردیده کـه از ماده ۳۲ قانون اساسی تعبیر ناصحیح صورت گرفته وگفته می شود که «به اساس آن به مظاهرات ، اعتصابات نا جایـز وخلاف قانون پرداخته اند، باوجودیکه غیر قانونی بـودن ایـن مظا هرات چندبار از طرف مؤظفین حکومت اعلان گردیده وباوصف آن ...» حالانکـه حکم ماده ۳۲ قانون اساسی کـامـلا صراحت دارد وضرورت به تعبیـر نادرست مساعد اول نیست واگـر تعبیری صورت گیرد این است کـه مردم افغانستان حق دارند بـدون اطلاع قبلی دولت برای تامین مقاصد جایز وصلح آمیز وبدون حمل سلاح اجتماع نمایند وباساس همین اجازه قانونی بوده است که طی چندسال اخیر پس ازانفـاذ قـانون اساسی صدها اعتصاب ومظاهره بوجود آمد واینکه بنا غلی نیازی مـدعی است «باوجود اینکه غیر قانونی بودن این مظاهرات چند بار از طرف مؤظفین حکومت اعلان گردید» اولا از طرف حکو مت چنین اعـلانی راجع بـه غیرقانونی بودن مـظاهرات صورت نگرفته وثـانیاً اگـر فرضاً صورت گرفته باشدخود غیرقانونی ومتناقض بماده ۳۲ قانون اساسی می باشد .

• • •

دفاعیه وکیل:

اینك قرار آتی دفا عیهٔ مشخص خود را علیه صورت دعوی فرمایشی مساعد اول خا رنوال ارائـه میدارم:

وکیل فرزند جریا ن دمو کرا تیك خلق افغا نستان با کمال افتخار و جـرات بنابـر تشـخیص وظایـف ومسؤولیت عظیم خود ها در برا بر نهضت رهائی بخش ملی ودموکراتیك ومترقی وطن محبوب خودافغانستان بر رد افترائیه واتهامات بی جهت، بی اساس ، غیر مستند ، فرمایشی وار خود سا خته و پر داخته مساعد اول خارنوال پر داخته وباد دهانی میکنم که این دفا عیهٔ من نه بخا طر نا شکیبائی و ندامت وعجز دربرابر الزا مات که یعنی آقا ی مسا عد اول خارنوال ، بلکه برای دفا ع ازآرمان های عظیم خلق زحمت کش کشو ر ماکه در برابر نسل تر قی خـوا ه مسؤولیت ووظایف جدی وسنگینی را قرار داده است محر ك اصلی تر تیب آن میبا شد .

لذابدین جهت در متون دفا عیهٔ من بجز منافع وطن ورهائی خلق د لیـر وزحمت کشـی از وضـع نا هنـجار وفلاکت بار زندگی کنونی درچوکات یك افغانستا ن متحد ، آزاد ، مرفه ، آباد ، مترقی و خوشبخـت چیـزی مطمع نظرم نمیباشد . وروی ایـن اصل است که اتها مات واقـرارات آقای مساعد اول خارنوال رانه از دید گاه خودش بلکـه از دیـد گاه محافل وطبقات حا کم در افغانستان بررسی می نمایم ، وباید متوجه بود که دفاعیهٔ من هم مطلقاً از دید گاه منافع خصوصی خود م نه ، بلکه از دیدگاه منا فع خلق زحمت کش کشور که سالهاست رنج میبرند، ستم میکشند وعملا از ابتدائی ترین حقوق انسانی محروم اند ، وحتی که خود حاضرم جانم را در راه رفـاه و آسا یش آنها قربان کنم ، مدنظر گرفته شود. تا درست نخوا هد بود که بگویـم آقا ی مساعد خا رنوال شما دشمنی شخصی با من نداشته ،بلکه مو قف شما حکم میکند که در موضع ضدیت با منافع خلق کشور، وهمه نیروهای ملی وتحول طلب ومترقی کشور که در آخرین تحلیل من هم جزئی ازآنها هستم قرار دارید . ولی آقای مساعد خا رنوال شما باید بدانید کـه نمی توانید مبارزین صدیق ووطنپرست را محکوم کنید زیرا اکنون در ذیل از آغاز تا انجام صورت دعوی میان تهی وغرض آلود شما را باسناد مدارك ودلایل قانو نی رد می نمایم.

۱ـ بناغلی نیازی مساعد ا و ل خارنوال ولایت کابل در آغاز اقا مه دعوی خویش علیه من متذکر میگردد که من منسوب به جمعیت پرچـم میبا شم وبدینو سیله خواسته است که نشان دهد گویا کشف بزرگی کرده است !!! قبل از همه بایـد بناغلی مو صوف بفهمد که پر چم جمعیت نیست، بلکه جریده است ، جریده ایکه نا شر اندیشه های جریان دموکراتیك خلق افغانستا ن میباشد واین موضوع در پیشانی جریدهٔ پرچم در هر هفته با خط درشت نو شتـه می شود ، بنا بر آن ایـن حـر ف بناغلی نیازی نا درست است که من منسوب به جمعیت پرچم میبا شـم بلکه منسوب به جریان پرا فتـخار دموکراتیـك خلق افـغا نستـا ن میباشم که پرچم از کا ن نشر یا تی آنست و علنا مطابق بقانون بنشرات خود ادامه میدهد .

مدعی در اقا مه دعوی اش بـه تنا قض گوئی می پردازد که ازیکطرف مرا به «پرچم» منسوب واز جا نـب دیگر لاقیدانه اظهار میدارد که من در تمام مظا هرات شرکت کرده وبه آن اعتراف نیز کـرده ام ، مـن از بناغلی نیاز ی می پرسم من که منسوب به «پرچم» هستم آیـا پرچـم تـمام مظا هـرات را کـه طـی چنـد سال گذشته در کابل بوجود آمده اسـت تا ئید کرده است ؟؟ خودم با سخ میگویم که نه چنین نیست! « پرچم» مظاهره ئی راکه بغرض فتنه گـر ی واخلالگـری رخ داده است تا ئـید نکرده و نتیجتا من درآن اشـتراك نداشته ام ، از همین جاست کـه بناغلی مساعد اول مثنا قض حر ف می زند و کلـمه « تـمام» رابـدون سنجش وملاحظه در مورد اشتراك من در مظا هرات بکارمی برد وهمین خود کافیست کـه تـمام ادعـا های نا مبرده در مورد من زدگردد و مطابق بحکم مادهٔ ( ) اصولنامه حقو قـی محا کم عدلی دعوی ی متذ قض قابل شنید ن نیست ، ولی بـرای اینکـه روشنی بیشتری بر مو ضوع انداخته شود اظهار میدارم که من دربسیاری از مظاهرا ت قانونی ومسالمت ـ آمیز برطبق حکم ماده (۳۲) قانون اساسی در صف هم سلکان و هم صنفان خویش شرکت داشته ام ، منظور اساسی از اشتراك مـن در مظا هـرات ومبـارزه ام را عشـق بی پایان بوطـن وخلـق رنجدیـدهٔ افغانستان تشکیل میدهد ومن نـه تنها از اظهار آن ترسی ندارم بلکه بدان افتخار می نمایم . یعنی من بارها میگویم در مظا هرات اشتراك کرده ام واین اشتراك من بخا طر بیـدا ری عمومی خلق کشور بود که تا تسلط مناسبات اقتصادی ـ اجتماعی ونیرو ـ های ارتجاعی ر که مانع بز رگ در راه رشد وتکا مل وطن گرامی ماست، فشا وبر ملا سازم .

قلهبذا اشتراك کردن درمظاهرات اگر جرم است، این مطلب مر بـو ط درایت جنا ب شما آقای مساعد اول خارنوال از ماده (۳۲) قانون اساسی میباشد .

من با کمال افتخار هم اکنون بیان میدارم که به حیث یك خدمت گذار خاق کشور خود در مظاهرات قانونی و مسالمت آمیز اشتراك کرده ام تا وظیفهٔ ملی و مترقی خود را درجهت نگا مل نهضت دمو کراتیك ومترقی وآزادی بخش کشور خود ایفاکنم ، وهمچنا ن از هر گونه سازش کاری وتسلیم طلبی وحادثه جوئی وماجرا ـ جوئی و براکند گی این موج نیرومند مبارزه را در امان دارم .

وبالاخره در مظا هرات بخا طـر افشای دشمنان داخلی وخارجی وطن واحد ما افغانستا ن ومنا فع خلـق افغانستان وپشتیبانی آن در برابر نفوذ هرگونه شیوهٔ نوین استعمار و امپریا لیسم که دشمن خلق، امنیت، تما میت ، رفاه و آسایش کـشور ماست جصه میگیـرم ، واین هـمه طا لب است که بگفرد صدیق بوطن وخلق مطا بق به شرایط عینی وذهنی جا معه وتمنیات عصر وزما ن باید چه در مظا هرات وچه در عرصه های دیگر مبارزه فعالانه حصه بگیرد .

اینك توجه جدی قا ضی محترم دیوان امنیت عا مه و ولایت کابل را جلب نموده ،خواهانم که از آقـا ی مسا عد اول خا رنوال به پر سند که بطور نظر آقای مذکـور اشتـرا ك کردن در مظا هرات جرم و خلا ف قانو ن است . مگر یـك بـار آقا ی موصوف بند ا و ل مادهٔ (۳۲) قانون اسا سـی را کـه میگو ید : « اتباع افغانستان حق دارند برای تا مین مقا صد جایز وصلح آمیز بدو ن حمل سلاح مطابق احکام قانو ن وبدو ن جازهٔ قبلی دولت اجتماع نمایند » خوانده است یا خیر ؟ پس اگر شما آنر مطا لعه نموده اید تکلیف شما آقای مدافع قانون از قانون همین ست که عکس آن میخوا هید عمـل کنید ؟ و درست واقعیت هم همـین طورنیست ؟ آیا شما آقایا ن نبودید که در برابر من ویکعده از متهمیـن بتاریخ ۵ـ۱٦ ـ ٤۸ عمل نمودیـد ؟ وخود سرانه و مغرورانه بنا بر حکم شما خلاف مادهٔ (۱۱۲) فصل هفتم باب اول کتاب اول قانون اجرا آت جزائی که تصریح میدارد : « توقیف هیچکس بجز در توصیفا نه جو از ندارد » بکلی مرتکب عمل ضدقانون نشده اید ؟ ودر جهت مخا لف قانون رفتار ننموده وما بیشتـر از مـدت تقریباً یك ماه نمیشود که درمحبس عمومی دهمزنگ درحالت حبس، مدت توقیف خود را بسر می بریم ؟؟؟

«باقیدارد»

پرچم

وافغانستان دفنگ دموکراتیک افکار وخپرونکی

۲۱ میزان ۱۳۴۸

اهم اخبار هفته گذشته

هاوانا : داکتر کاسترو طی ملاقات باز ماندگان با ز بلی که چندی قبل با تعویض سفیر امریکا از حبس در مکز یك رها و فعالیجهت بازدید دو ستانهٔ به هاوانا آمده‌اند ، اظهار نمود: کشورهای سوسیالیستی بما کمك های بسیار میکنند که جنبه حیاتی دارد « اوگفت تاقبل ازانقلاب تمام مراکز صنعتی کیوبا بدست امپر یالیزم امریکا بود ، مگر فعلا تحت تصرف مردم کیوباست .

دهلی جدید : درمظفر نگار هند مینتگ بزرگ صد هزار نفری تشکیل شده بود . در میتنگ شعار داده میشد : کارگران ودهقانان با هم برادرانه سرده یاد نفاق اندازان ـ هندو ها و مسلمانان دو ستان همدیگراند ـ از نفاق فقط ارتجا ع نفع می برد .

درین میتنگ هندوها و مسلمانان وغیره شرکت داشتند .

مونتریال : دردومین شهر بزرگ کانادا ماموران آتش نشانی دست به اعتصاب زدند . از جمله سه هزار مامور فقط ۴۰ نفر بالای وظیفه حاضر بودند .

همچنین دو صد تکسی ران نیز در مونتریال دست به اعتصاب وبعداً دست به مظاهره زدند . در ضمن مظاهره زد و خورد شدیدی رخ داد و دو نفر کشته شدند.

نیویارك : یك تعدادزیاد نمایندگان سند یکای کارگری امریکا ازحکومت نکسن تقاضا کردندتافد امات جدی جهت بهبود شرایط کار وازدیاد دستمزد های کار گران به عمل آورد .

واشنگتن : نکسن در مقابل تهدید کارگران راه آهن سر تاسری امریکا فیصله کردتا ۲۰ فیصدحقوق کارگران راه آهن را افزایش بد هد واز اعتصاب عمومی جلو گیر ی بعمل آورد .

نیویارك : چندین اتحادیه سیاه پوستان متحداً علیه سیاست تبعیض نژادی دست به مظاهره زدند .

لیما : رئیس جمهور پیرو به مناسبت اولین سال تاسیس رژیم

در یك بیانیه رادیویی گفت: تا مین استقلال اقتصادی عمده ترین مساله است که در برابر کشور قرار دارد. باز گرفتن انحصار تو لید نفت ، مساله اصلاحات ارضی ، کنترول بر بانك مرکزی ، اتخاذ سیاست آزاد وملی از وظایف اصلی ما بشمار میرود . او گفت: دشمنان حقیقی مردم ـ سرمایه داران نفتی خار جی و دوستان داخلی آنها میباشد .

انقره : در ترکیه مبارزات انتخاباتی پارلمانی ادامه دارد ، احزا ب ترکیه نوین و جمهوریخواه خلق از مشی حزب عدالت حاکم در کشور شدیداً انتقاد نمودند .یوسف عزیز ذغلو از حزب ترکیه نوین اظهارداشت :مشی حزب عدالت باوضع کشور درتضاد است .

و گفت:اگر نفر در کشوربرطرف نشود اوضاع بدتر بوجود خواهد آمد .نطاق حزب جمهوریخواه خلق گفت: سرمایه‌خارجی ایدابه‌پیشرفت ترکیه کمك نخواهد کرد .

نیویارك : نمایندهٔ سوریه در ملل متحد طی نامه یی از رو یه فاشستی اسرائیل در منطقه اشغالی سوریه به ملل متحد اعتراض کرده است . درنامه قید است که اسرا ئیل مردم راازمنازل شان اخراج می کند و دسیسه ا ترا باخاك یکسان میسازد.

بیروت : وطنپرستان عر ب به تعقیب وسیع علیه اشغالگران اسرائیلی آغاز کرده‌اند. پارتیزانهای الفتح روز ۵ اکتوبر باهاوان بر یك اردو گه اسرائیلی حمله بردند و تلفات بزرگ به اسرائیلی ها وارد شد .

تل ابیب : جرایداسرائیل خاطرنشان میسازد : مسافرت صدراعظم اسرائیل به‌امریکا موفقیت آمیز بود.

امریکا مقادیر قابل توجه اسلحه به اسرائیل میدهد .

قاهره : جرایدجمهوریت عربی متحداً تحویل دادن طیارات فا نتوم امریکایی را به اسرائیل از آنچه فیصله شده بود سریعتر میدانند .

دریك هفته ازجهاز پروندطیار ه به پانزده پروند رسیده است .

درباره جنگ ویتنام

یك سناتور امریکایی تقاضا کرد تا حکومت نکسن جنگ بلید ویتنام راخاتمه بدهد . اواز عقب میکروفون مجلس امریکا فریاد زد :«بکدار باین خونریزی ها تاقبل از ۱۹۷۰ خاتمه بدهیم و جوانان خود رادر جشن جنوری درامریکا درآغوش خانواده‌ـ های آنها به بینیم !»

صدهاجوان امریکایی ضمن مظاهره علیه جنگ ویتنام در یك لوحه نو شته بودند :«نکسن منتظر چه هستی . تو قول داده بودی که جنگ ویتنام راخاتمه میدهی پس خاتمه بده !»

اعلان گردیده است که روز (۱۵) کتبر در سر تاسر امریکا علیه جنگ ویتنام مظاهراتی بر پا خواهد شد . اتحادیه معلمان درین مظاهرات شرکت خواهند کرد .گفته میشوددر حدود یك ملیون نفر درین مظاهرات سهم خواهند گرفت .

* * * *

خبر گزاری جبهه آزادیبخش ملی ویتنام جنوبی اطلاع میدهد : شغالگران امریکایی مرتکب جنایات نرم آور دیگر به مقابل حلق ویتنام دیدند ، بدین تفصیل: چندی قبل وادی دریا ی میکانگ سیل مصیبتی سرازیر شد .ازروی جبهه آزادیبخش ملی جهت کمك به‌آسیب

بازهم عوامفریبی

چند سال قبل اداره یی دردستگاه حکومت افغانستان به نام «انکشاف دهات »به‌وجود آمد و صلاحیت ها و بودجه فراوان در اختیار آن گذشته شد که با بکار بردن آن توام با سوء استفاده های کلان وحیف ومیل فراوان حرکات نمایشی صورت گرفت . سالها ی سال از تاسیس ریاست «انکشاف دهات» گذشت و بی حد اقل نتایج مطلوب متناسب با صدها میلیون افغانی مصارف آن به‌ملاحظه نرسید .

مقامات مسئول (!) برای اینکه روی معایب این اداره (که البته‌معایب ونواقص اداری که به طور عام در تمام دستگاه اداره دولت در افغانستان معمول می باشد) بز عم خود پرده افکنند ، چاره کار را در الغاء اداره مزبور وتعویض اسم آن یافتند ، چنانچه عین و ضع را در مورد الغاء ریاست انحصار دواتی و تشکیلاتو سیعتر کنونی آن بنام های دیگر می توان دید.ولی در ما هیت کار و اجراآت معمول کدام تغییری که به نفع مردم باشد و یادر مصارف صرفه جوئی به عمل آید به ملاحظه نمیرسد .

مقامات مربوط اکنون که‌دریافتند دگر نمیتوان عالمی فقیر ، رنجدیده دهات وروستا های کشور را ما نند سالهای متمادی گذشته ، به نام «انکشاف دهات» و « پروژه ها ی مفید و عام المنفعه آن» (که یکی از هزاران مشکل مردم را رفع کرده نتوانسته است) فریب دهند . حال باید نام آنرا به «انکشاف محل» با اندکی آرایش و پیرایش جدید د ر شکل تعویض کنند و با راه انداختن تبلیغات فراوان در اطراف آن ایشان را باز هم برای مد تی سر گر م سازند .

از امر الغاء ریاست انکشا ف دهات و تصفیه امور آن اکنون ماهها می گذرد و با و صف اینکه میعاد برای تحویلگیری کار ، سا ما ن و تصفیه امور اخیر سرطان تعیین گردیده بود ، ولی هنوز قسمت کوچك کارهم درین زمینه انجام نگردیده است ، لهذا یك تعداد مامورانی پائین رتبه که بیکار اند مجبور هستند بکار های بسیارعادی وغیر مثمر و قت بکذ را نند ویاازفرط خستگی ناشی از بیکاری مطلق روزها را پشت میز ها ی دفاتر چرت بزنند و به‌خواب روند . اما ماموران بانفوذ وعالیرتبه که کرسی های بلند تر و امتیا زا ت بیشتر انتظار شان را می کشد و آینده های درخشان (!)در پیش دارند ، مشغول استفاده از ا خرین بقا یای این خوان یغما هستند ، از موترهای بیشمار دولتی و بودجه‌آن خود وخو یشاوندان شان بیدر یغ استفاده می کنند ، به دو ستان بورسهای تحصیلی اعطاء میفرمایند.. وغیره. ماموران پائینتر تبه‌ومستخدمین ریاست «انکشاف دهات» که تعداد شان به ۳۲۰۰ نفر میر سد درباره سر نوشت تار یك آینده ه خود و خا نوا ده ها ی بینوا ی خو یش می‌اند یشند .

معلو م میگر دد که صحنه و ل نما یشنا مه یی بنام اغفال مردم به خصوص روستا نیا ن تهیه ست و زحمتکش کشور در وجود «انکشاف دهات» واجرا آت وفعالیتهای آن به پایان رسیده است و صحنه دوم‌که عبارت از الغاء این «اداره» تقسیم کار های آن به وزارت خانه های مر بوط وایجاد اداره «انکشا ف محل» باشد بروی صحنه می‌آید تا دیده شود که در صحنه های بعدی چه بازی ها ی عوامفریبانه دیگر صورت خو ا هد گرفت

(ع، ا)

دسین سر ود

ښېرۍ پېرۍ تېرې شوې او دامغرور سین دهندوکش په تاو را تاو دروکی لاخپله انقلابی حماسه بولي:

« تل به زما په خپو کې دخوخیدو،منډې او یر غل قوت زوندی وی ،
زه دسمندر دخپو ټکرو او دلمروړانګو زېږو لی یم ،
زه د زور ورو او سترونوفا نو نو وبه زانګو کې روژل شوی یم ،
ماته تا لندی ، برینښا اویاغـی با دونو للو وبلی ده .
ما دسمندر په تیارو تلو کی لـه‌نېټکانو او سترو کیا نو سره‌ملوبی کړیدی او د آزادو سیلیو تربو لـی‌لاندی می ته لـاحلی غرونو،کمرونو او ختګلونو سره غیږی نیولی دی .
زه داستواګر میو او دقطب‌بخنیواز مو بلی یم .
ما دتوفان په منګو لوکی زړ ور ما ټوګان لید لی‌دی‌چه خټکه دوحشی او قهر جنو خپو تر یرغل لاندی ،په‌سره سینه د خپلو هد فو نو خوا ته خوخیږی ،
ما دیرمختلو نکی انسا ن د زړه‌قوت او دستر ګو برینښا از مویلی ده ،
داسی انسان تر تردمی اوتوفا نوپر پیاو پی او تر برینښا او تندر خورا چټك دی .»

* * *

« زه دګړندو یو وربخو په وزرونوباندی نه هوارو سمندرو نو نه دلوړ هندو کش خوګو ته را وختم ، دلتـه‌می دوربخو ته مستی ، دبادونو لـه نخا ، دباز له ګړنـد یو جګیـدو اودسیلاب له هیښناکوکوزیدو نه نوی حماسه زده کړه .
زما ددی حماسی قهر ما ن هماغه‌زړور او پا بر جای انسان دی‌ـ کو م چه واورو ، با دونو اوسیلا بو نـورا چا ربیر کړی ، مګر سرنه ټیټوی اوزه تسلیمیږی .
زه له همدی ما ن نه الهام اخلم‌اوپه نا از مو یلو لاروو ، کمرو نو او دروکی لاروو هم دبحر خوانـه خوخیږم .
زه قلم په قـد خپله حما سه‌نګراوروم .
باید دسینود نو اوغرونو حماسه‌یوشی ،
باید ټولی سندری ، ټول سـرودونه او کړدی حماسی یو شی .
باید ټول مقدس غضبونه ، ټو لی‌کوکی او فریا دونه ،ګردی خپی او درست نو فا نو نه سره یو شی اوپه‌کډه دنوی ، زړور او انقلابی انسا ن وژغم، جرأت او پر مختللو حما سه‌بشپړه کړی .
زه دخپو ، تو فا نو نو ،ځغا ستواو ژوند سنا ځی یم ،
ځکه دآزاد انسان دخوخیـدو ،پرمختګ ، یرغـل او رزم حمـاسه بولم ،
غر او هواوه ، سین او بحر ،باداو باران .. دا ټول دزیارایستونکی انسان دستری چګړی حماسه بولی.
دانسان هغه او چګړه ، دانسا ن تکل او یرغـل ، دانسان ژونـد او هدف ـ تر ټولو لوړه حماسه او ترهری سندری ښکلی سندره ده ،
اوزه به تل داسندره ژوندی او سپیخلی وساتم !»

« سلیمان لایق »

دپکتیا دخلکو مسائل باید سم حل شی

«له خو کلونو راهیسی ، دپکتیا دارګون دلویی ولسوالی‌دمارزکودکلی دخرو نو او خدرانو ترمینځ دیـو ځنګله به سر شخړه روانه ده . ددی شخړی په نسبت هرکال دخروتو او خدرانو وروتو تر مینځ دقتل ، بـی کیدو او زیږو تولید و پیښی مینځ ته راځی .

سر کال بیا ددی شخړی نپیا ن دکابل روغتو نونو ته را ورسیدل او دکسات اور یی لا د زیار ایستو نکو خروتو اوخدرانو تر مینځ تیزکړ .

ددی شخړی ددوام اساسی علت دادی چه دولتی مسؤولین هلته مؤثر او لازم اقدام نه کوی . دوی هغـه وخت یدی پیښو باندی خا ن خبروی چه دشخړی اور نیه تازه شوی وی او خلکو سره وزنی یا نپیا ن کړ ی وی . او وروسته تر پیښی بیا هم د حل سمه لار نه غوره کوی او فقط یو خو لوئی ږدی او تر او بو یـو ری وزی .

دسر کال او پرو سر کال پر له بسی پیښی دا پیښی چه یدی مسا له کی ددولت دموظفو کسانو اقدا مات ویر سطحی ، بـی اساسـه او غیـر مقتضی اقدامات وو . او داځکه چـه یخوانیو اقدا ماتو دخلکو دمخا لفت او شخړو مخه ونه نیو له .

سر کال حکومت په دی یا ره کښی یوازی د ددوا ړو خوا وودخوتنو په نیولو او بندی کولو اکتفا و کړه

شخړی وکښی غوښتـل چـه دبنـد او زندان به زور یه دواړو خواړو باندی امنیت (!) او سوله تحمیل کاندی . خو حقیقت دادی چه سوله ، امن ، ورور کلوی او ملګرتیا دزور اوزندان لاری تعقیب کاندی او داسی موجبات له مینځه یو سی چـه دپکتیا زیار بستونکی او شریف خلك بخښلـو منځونو کی سره جګړی او ددو ی تر مینځ داخـتلا فاتـو او کرکـی اوربارو ی .

«م ،ه»

«سیوز ٦» به‌فضا پرتاب شد

تا س اطلاع داد که ، اتحـاد شوروی بتاریخ ۱۱ اکتوبر سفینـهٔ فضا ئی «سیوز ـ ٦» را که حا مل دو نفر کیهان نورد بنـام کیوروکی‌ـ شونین ووالری کوبا سو ف میباشد بفضا پرتاب نمود .کیـهان سفـینه «سیوز ـ ٦» شو نین می با شـد وکوبا سوف وظیفهٔ انجنیری پر واز را بعهده دارد .

سفینه بساعت ۱٤ و۱۰ دقیقـهٔ وقت ماسکو شروع‌بحرکت نمود و به مدار معینه قرار داده شد . فشار ، درجه حرارت ، رطوبت وتر کیـب گاز در کا بین « سنیوز ـ٦» مطا بق بشرایط زمین مهیا شد. عملهٔ سفینه بفعالیت های اکتشافی وآزمایشهای خودآغاز کردند .

در پرو گرام کار سفینه از جمله دیگر چیز ها ولدنگ کاری فلزا ت در شرایط خلای عمیق وبی وز نـی شا مل میبا شد .

کیتا ن سفینه قبل از پروازبسوی کیهان اظهار داشت کـه سفـینه «سیوز ـ٦» اکتشا فا تی را کـه توسط سفا ین «سیـوز ـ ۳» و «سنیوز ـ٤» و « سنیـوز ـ٥» آغا ز گردید ، ادامه خـواهـد داد . و ی مزیدا اظهار داشت هر سفینه کـه بفضای خارجی پـر تاب میگر دد محصول کار خلاق دانشمندان،طراحان انجنیرا ن و کارگران ـ ایجادکنندگان تمام سفا ین کیهانی میبا شد .

زندانیان چگونه می میرند!

زندانیان تیره بخت شبرغان مرکز ولایت‌جوزجان که‌مانندتمام زندانیا ن کشور در تحت شیوه های‌استبدادی قرون و سطائی بسر مـی‌برنـد ، علاوه بر تحمل دشواری های فراوان رنج و مرارت گرسنگی ،حقارتـها، اهانتها ، شرایط کاملا غیر صحی و زندگی درد خـمه هـای تـاریـك و کثیف ضد سلامت بشری در نتیجه محیط متعفن وکثیف زندان،لباسهاو بدنهای چرکین زندانیان اخیراً مورد تهاجم مکروبهای بیرحم حمای لکه‌دار قرار گرفته‌اند . در یك مدت کوتاه چندین تن از زندانیان به این‌مرض مـاری خانمانسوز مبتلا ونیمه جان‌به شفاخانه فرستاده شدند . ولـی بدون تدوی برای اینکه از آبـرو ریزی (!) مقامات مربوط جلو گیری به عمل آید بطور بیرحمانه‌ئی ایشان باز دیگر به زندان منتقل گردیدند که در نتیجه یکنفر آنها در اثـر بیماری حمای لکه دار در گـذشت ودیگران هم نیمه جان افتـاده اینست نمونهٔ کوچکی از وضع فـلاکتبـار زندانیان وزندانهای کشور .

انعکاسات راجع به‌کنفرانس رباط

روز نامهٔ الجمهوریه چاپ بغد اد در سر مقالهٔ تاریخی ۲۹ سپتمبـر خـویش راجـع به نتایج کـنفرانس کشور های اسلامی در رباط‌واعلامیهٔ مشترك این کنفرانس می نو یسد : «محض نگاهی به‌این اعلامیه مشترك واضح می سا زد که اعلامیهٔ مذکو ر وضحا تقاضائی است‌به‌خاطرجلو ـ گیری ازهر نوع مقابله عملی بر ضد تجاوز صهیونی وامپریا لیستـی » روزنامه مزبورا میگوید : « علا میه حتی اشارهٔ ساده‌ئی راجع به‌حقوق عرب فلسطین به خاطر احیای‌مجدد سر زمینهای اشغا ل شدهٔ شا ن از غاصبین صهیونی نه نموده اسـت ونه از فعا لیت‌های کوما ندو ها در داخل مناطق اشغا لی فلسطین که توسط پیش آهنگان انقلابی ، جرا می شود کدام تذکری به عمل آمده است » .روز نامه علاوه می کند : «از نظر اندا‌ختن مبارزه مسلحانه انقلابی در فلسین عربی اختلاف‌زیادی راکه بین توده‌های مؤمن عر ب که هر نوع فیصلهٔ مشکوك را رد می ـ نمایند ،وروش بعضی از کشو ر ـ های اسلامی که‌از حدود ملل متحـد یك گام هم فراتر نه نـهاده انـد منعکس می سازد ...»

همچنان روز نامهٔ النور چاپ‌بغداد راجع‌به اختلافاتیکه در کـنفرا نس رباط بین اشترك کنند گان مو جود بود تبصره می نماید.

روزنامه ناکامی کنفرانس ر باط را از یکطـرف ناشـی از خصـلت روابط مو جود بین حکومات اسلامی اشترك کـننده در کـنفرا نس واز جانب دیگر بیـن بعضـی از ایـن کشور ها وامپر یالیزم واسرا ئیل می دانـد . روزنامه می نویسـد : « ایـن بـود حقیقتـی د ر پـس برده تا کامی کنفرانس رباط کـه نتوانست کدام کار عینی بـر ا ی بهبود موضوع فلسطین و جنبش‌ـ های ضد امپر یالیزم و صهیو نیت انجام د هد ...» ر و ز نامه علاوه می‌نماید : «علت‌دیگر یکه منجر به ناکامی کنفرانس گردیده اینسـت که سیاستمدانی که‌از طرف بعضی از حکومتها تعقیب می گردد ازمنافع ملت های شان نشئت نمی نما یـد بلکه ناشی از منافع استثمار طبقاتی شان و پیوندین منافع با منا فـع امپر یا لیزم می‌باشد .

پرچم

صاحب امتیاز: سلیمان لایق

دیوی گنی بیه ۲½ ـ افغانی

مدیر مسؤول: میراکبر خیبر

تیلفون: ۲۳۱٦٤

مطبعه دولتی